

باراک، نمایندهٔ ویژهٔ آمریکا در خاورمیانه بدیهیات تاریخی را هم نمی‌داند

بجاسوادی مرزمن ترامپیست‌ها



زهرا طیبی

خبرنگار گروه سیاست

سال ۱۹۱۶ در میانه جنگ جهانی اول و زمانی که غربی‌ها برای تغییر نقشه خاورمیانه بر مبنای منافع خود برنامه‌ریزی می‌کردند، هم‌زمان تضعیف هویت و تمدن ریشه‌دار در این منطقه در دستور کار قرار گرفت. این تنها راه‌حلی بود که می‌توانست سلطهٔ آن‌ها در منطقه را حفظ کند و مسیر را برای تشکیل دولت جعلی به نام اسرائیل، فراهم کند. غرب سلطه خود را در گرو تضعیف و تحقیر هویت تاریخی این منطقه ممکن می‌دانست چراکه دولتی که بی‌هویت و ضعیف باشد به راحتی زمین می‌خورد. نکته عجیب‌تر این تغییر این بود که در آن برهه برخی از اعراب این منطقه نیز برای به دست آوردن قدرت، با این کشورها همراه شدند اما حتی آنچه‌که به آن‌ها وعده داده شده بود هم به آن‌ها داده نشد. تغییر نظم منطقه در آن دوران، این توهم را برای آمریکا ایجاد کرد که حالا می‌تواند نقشه جدیدی برای منطقه ترسیم کند که رژیم دست‌نشانده و نیروی نیابتی‌شان تبدیل به قدرتی مسلط شود. نمود این برنامه‌ریزی را می‌توان در اظهارات تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا مشاهده کرد. او به تازگی و بعد از دیدار با مقامات لبنان گفت: «چیزی به نام خاورمیانه وجود ندارد، آنجا فقط قبیله‌ها و روستاها هستند. آن‌ها آنچه از امپراتوری عثمانی باقی مانده بود را برداشتند، خطوطی صاف دورش کشیدند و اسمش را گذاشتند، دولت-ملت.» این البته اولین باری نیست که بسارااک، ز زبان به توهین و تحقیر مردم خاورمیانه باز می‌کند. او پیش از این هم در نشست خبری در لبنان در واکنش به همههمه خبرنگاران گفته بود: «رفار متمدثانه داشته باشید و مانند حیوانات رفتار نکنید.» باراک پیش از این هم گفته بود قرارداد سلیکس پیکو را قبول ندارد. بیان اظهارات و اظهارنظر آمریکایی‌ها در مورد نظم ترسیمی سلیکس پیکو ایسن گمانه را اثبات می‌کند که برنامه‌ریزی جدی برای تغییر نظم خاورمیانه وجود دارد. طبیعتاً تحقق آن از مسیر تحقیر و نادیده گرفتن تمدن تاریخی در این منطقه می‌گذرد تا اسرائیل بتواند در این منطقه جولان دهد و به قدرتی مسلط تبدیل شود.

تشکیل اسرائیل بزرگ از مسیر هویت‌زدایی از موجودیت خاورمیانه می‌گذرد

میدل ایست آی در گزارشی درخصوص شکل‌گیری اولین تمدن‌ها در جهان، اشاره و قدمت شکل‌گیری اولین تمدن در جهان را ۱۱۵۰۰سال پیش می‌داند و می‌گوید اولین دولت شهر بزرگ در عراق کنونی تشکیل شده است. براین اساس اولین تمدن جهان، در منطقه‌ای که اکنون به خاورمیانه معروف است و به گفته باراک هویتی به نام دولت ملت ندارد، تشکیل شده است. اگرچه مفهوم دولت به معنای مدرن آن، پدیده‌ای نوظهور است اما رجوعی سطحی به تاریخ برای اثبات این ادعا کافی است که روشن شود تا مدت‌ها دو تمدن و امپراتوری بزرگ در جهان به نام روم و ایران وجود داشته است و تمام نزاع‌ها در این دوقطبی شکل گرفته است. بعد از ورود اسلام به خاورمیانه، جنگ‌های صلیبی در قرن ۱۱ اولین جنگ مسلمانان خاورمیانه با مسیحیان بود که اروپایی‌ها تقریباً همان زمان با بسیاری از علوم و یافته‌های مسلمانان آشنا شدند. با در نظر گرفتن این ریشه تاریخی که تقریباً غیر قابل انکار است اشاره باراک به بی‌هویتی خاورمیانه و مرزهای جعلی، یک پیام روشن دارد؛ آمریکایی‌ها به دنبال هویت‌زدایی از تاریخ مردم منطقه هستند؛ چراکه تحقیر هویت یکی از اصول اساسی برای از موضوعیت خارج کردن یک ملت و گرفتن اعتماد به نفس از مردم و برای مقابله با تجاوز و تداخل خارجی است. آمریکایی‌ها با القای این موضوع که مردم این منطقه اصالت ندارند و رویکردهای قومی و قبیله‌ای بر آن حاکم است و آن‌ها مجبور به

دخالت و چاره‌اندیشی هستند، حضور خود را مشروعیت می‌بخشند و این طور القا می‌کنند که اگر آن‌ها نباشند، منطقه به آشوب کشیده خواهد شد و علاوه بر آن زمینه را برای تغییر نظم منطقه فراهم می‌کنند. خاورمیانه در حال حاضر با بحرانی ۷۵ ساله روبرو است. اسرائیل از زمانی که تلاش کرد خود را به عنوان کشور در منطقه رسمیت ببخشد، تاکنون حتی توانسته ملتی واحد ایجاد کند. بر این اساس تنها راه برای ممکن شدن مشروعیت در این منطقه، القای این گزاره استست که خاورمیانه‌ای در کار نیست. اظهار نظری که بیش از آنکه به واقعیت نزدیک باشد، کمکی برای جان گرفتن دولت منزوی صهیونیست است.

سلیکس پیکوی جدید؟

غربی‌ها بعد از آنکه نظم را در منطقه بر مبنای مرزهای مصنوعی مطلوب خودشان تغییر دادند، سلطه خودشان را هم در این منطقه تثبیت کردند؛ چراکه اساساً این تقسیم‌بندی با هدف سهل کردن نفوذ و دخالت آن‌ها ترسیم شده بود. دولت عثمانی اصلی‌ترین مانع برای نفوذ و تسلط در این منطقه بود

خسرو معتضد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

پیش از ۱۴۹۲ کسی آمریکا را نمی‌شناخت

ادعای نماینده ویژه آمریکا به لحاظ تاریخی واقعیت ندارد. گذری سطحی به تاریخ، این گزاره را اثبات می‌کند که اولین و مستحکم‌ترین دولت‌ها در همین منطقه شکل گرفتند. در گفت‌وگو با خسرو معتضد، تاریخ‌پژوه، به بررسی هویت تمدنی منطقه موسوم به خاورمیانه پرداختیم.

■ ■ ■

نماینده ویژه آمریکا به‌تازگی ادعا کرده که خاورمیانه تمدنی نداشته است. این ادعا به لحاظ تاریخی چقدر درست است؟

آمریکا خودش پیش از سال ۱۴۹۲ وجود نداشته و سرزمین ناشناخته‌ای بود که کشف آن، از نظر جغرافیایی، توسط ابروریحان اتفاق افتاده است. ابروریحان بیرونی قبل از گالیله و کوپرنیک، کروی بودن زمین را ثابت کرد و گفت جایی مثل قاره آسیا و اروپا در آن‌سوی کره زمین وجود دارد. اما چون مغول‌ها آمدند و کتاب‌ها از بین رفت، این موضوع به اسسم گالیله و کوپرنیک ثبت شد. بعدها اثبات شد که ابروریحان بیرونی این را تشخیص داده است و کتاب‌هایش در همه جای مشرق زمین نوشته و توزیع می‌شد. علت اینکه آمریکا به خودش جرئت می‌دهد این حرف‌ها را بزند این است که تبلیغات خوبی نداریم. آمریکایی‌ها زمان شاه هم ما را نمی‌شناختند. شخص ترامپ فرد بی‌سوادی است؛ وقتی می‌رفت در آلاسکا با پوتین دیدار کند، گفت می‌روم به سرزمین روسیه. وقتی رئیس‌جمهور آمریکا نمی‌داند که آلاسکا برای آمریکاست و از حدود ۷ میلیارد دلار در قرن نوزدهم آن را از روسیه خریدند، از بقیه افراد دولت او چه انتظاری دارید؟

اولین دولت-ملت‌هایی که در جهان شکل گرفتند در همین منطقه خاورمیانه بودند، درست است؟

نام این منطقه خاورمیانه نبود؛ «خاور نزدیک» بود. در قرن ۱۹ دریاسالار ماهان نام این منطقه را خاور نزدیک گذاشته بود، یعنی مشرقی که به اروپا نزدیک است. خاورمیانه در جنگ جهانی دوم متداول شد. اگر مجلات خارجی زمان رضاشاه را نگاه کنید، نوشته شده(NEAR EAST). چون پشت سر آن خاور دور بود. بعد از جنگ جهانی دوم، خاورمیانه که موضوع ایران و شوروی و تجاوزات ایران و شوروی برای تجزیه ایران اتفاق افتاد، این واژه بر سر سر زبان‌ها افتاد و پس از آن مسئله نفت، نفت آن قدر مسئله مهمی بود که خاورمیانه به وجود آمد؛ مرکب از ایران، افغانستان و حتی هندوستان و مصر، همه جزو خاورمیانه هستند. یک مجله هم انگلیسی‌ها در ایران منتشر می‌کردند به نام میدل ایست به همین نام.

اساساً دولت-ملت با آن مفهوم مدرن در آسیا وجود داشته است؟

ما در ایران از زمان قوم آریا، دولت داشتیم. اسلام که آمد، در مدت ۲۰۰ سال دولت اسلامی حاکم بود. اما کلمه NATION کلمه جدیدی است که از زمان انقلاب کبیر فرانسه حاکم شد.

به نظر می‌رسد بعد از سلیکس-پیکو، غربی‌ها به دنبال تجزیه و تغییر منطقه هستند.

دولت عثمانی یک دولت قلابی بود و دولت واحدی وجود نداشت و جدا شدن آن محتمل بود. ولی واقعیت این است که برنامه تجزیه در مورد ایران را هم دارند. قرارداد ۱۹۰۷ ایران را به سه قسمت تقسیم کرد، قرارداد ۱۹۱۵ دو قسمت تقسیم کرد، قرارداد ۱۹۱۹ قباله را آقای وثوق‌الدوله به انگلستان داد و در جنگ جهانی دوم هم آقای برتز، وزیر خارجه آمریکا گفت ایران باید ۷ کشور بشود و به آشوری‌ها هم یک قسمت داده شود، به ارامنه، ترک‌ها و بلوچستان داده شود. این حرف‌ها گفته می‌شود اما به نتیجه‌ای نخواهد رسید.

سد مقاوم در برابر توسعه نظامی ناتو به درک بهتری رسیده‌اند. درکی که باعث می‌شود این روزها حاضر شوند حتی در مقابل اقدام شورای امنیت مبنی بر بازگشت قطعه‌نامه‌های تحریمی که خود زمانی رأی مثبت به آن داده بودند بایستند و اعلام کنند که متعهد به اجرای آن نیستند.

پیام ابطال تحریم‌ها به شورای امنیت

پس از این رأی‌گیری نماینده روسیه عدم تصویب قطعه‌نامه مربوط به ادامه رفع تحریم‌ها علیه ایران را فاقد مبنای قانونی خواند و گفت روسیه بازگشت تحریم‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد. واسیلی نیین‌زا، سفیر و نماینده دائم روسیه در سازمان ملل پیش از رأی‌گیری در باره قطعنامه پیشنهادی کره‌جنوبی گفت: «ما در مواقع و موقعیت‌های مختلف اعلام کرده‌ایم که سه کشور اروپایی هیچ چیز برای اجرایی کردن مناسیم‌ها ندارند... اما اقدامی را که سه کشور اروپایی شورای امنیت ارائه کردند، به رسمیت نمی‌شناسیم... تنها هدف آن‌ها استفاده از شورای امنیت در راستای نیت‌های بد خود است. کشورهای اروپایی از دیپلماسی را رد کرده و خشونت و اقدامات تحریک‌آمیز را ترجیح می‌دهند.»

نماینده چین در سازمان ملل نیز پیش از رأی‌گیری با انتقاد از تصمیم سه کشور اروپایی، آن را عجولانه توصیف کرده بود. پیش از این نیز روسیه و چین با ارسال نامه مشترکی با ایران خطاب به دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت، بارد تلاش سه کشور اروپایی جهت احیای قطعه‌نامه‌های لغو شده شورای امنیت علیه کشورمان، تصریح کرده بودند: «اعلان‌رسانی سه کشور اروپایی به شورای امنیت بر خلاف رویه‌های مندرج در برنامه و قطعه‌نامه ۲۲۳۱ و فاقد مبنای حقوقی لازم است و باید باطل و بلااثر در نظر گرفته شود.» این موضع‌گیری روسیه و چین علاوه بر اینکه تغییر جهت آن‌ها نسبت به نهادهای بین‌المللی را پر رنگ می‌کند پیام مهمی به شوروی امنیت است مبنی‌بر اینکه این دودکشور بازگشت تحریم‌ها را غیرقانونی دانسته و خود را متعهد به اجسرای آن نمی‌دانند. از آنجایی که تاکنون نیز حجم زیادی از تجارت ایران به‌ویژه در حوزه انرژی با بلوک شرقی قدرت بوده است عدم تعهد این کشوره‌های به اجرای تحریم‌های بین‌المللی باعث می‌شود‌تا اثر تحریم‌های اعمالی خیلی فراتر از آنچه امروز و به‌واسطه تحریم‌های یک‌جانه آمریکا و اسرائیل رخ داده‌رود. البته هرگونه تحریم بین‌المللی به

انفعال در این بحران، خودکشی است

این دومین باری است که باراک به مردم خاورمیانه توهین می‌کند. او پیش از این در نشست خبری که با خبرنگاران لبنانی داشت در ادبیات توهین‌آمیزی گفت رفتار تمدنانه نداشته باشید و مثل حیوانات رفتار نکنید. این جمله درست مشابه ادعایی است که وزیر دفاع اسرائیل مطرح کرده و مدعی شده بود ما در حال جنگ با حیوانات هستیم. این نگاه تحقیرآمیز در حالی مطرح می‌شود که در حال حاضر بسیاری از کشورها منطقه مثل لبنان و سوریه سرنوشت‌شان را در اختیار آمریکا قرار داده‌اند و طرح‌ها و برنامه‌های از پیش طراحی شده آن را اجرا می‌کنند، با این نگاه که قدرت و موجودیت آن‌ها تهدید نشود. اما واقعیت آن است که تبدیل شدن اسرائیل به قدرتی مسلط در منطقه، به تنهایی تهدیدی برای همه دولت‌ها در منطقه است و همراهی با آمریکا تنها تحقق اهداف آن‌ها را سرعت می‌بخشد. براین اساس منطقه روز به روز به پیش‌بینی ایران نزدیک‌تر می‌شود. برنامه آمریکایی‌ها برای تغییر نظم منطقه جدی است و تنها راه برای جلوگیری از تحقق آن، همراهی تمامی کشورهای منطقه برای جلوگیری از اعمال نفوذ بیشتر آن‌ها در تصمیمات منطقه است. اسرائیل ابزار آمریکا برای تنظیم معادلات خاورمیانه بر مبنای منافع آن است. برای تنظیم این معادلات می‌بایست اسرائیل بزرگ موجودیت پیدا کند و باراک آنچه در انتها می‌خواهد را حالا لو داده است؛ خاورمیانه‌ای وجود نخواهد داشت. او به این موضوع هم اشاره کرد که گروه‌های قومی منطقه نمی‌توانند با یکدیگر متحد شوند و به دنبال این هستند که به اختلافات اصالت دهند و آن را تقویت کنند، مثل آنچه در مورد سوریه اتفاق افتاد و آنچه در مورد کردهای عراق و ترکیه انجام دادند. باید به این موضوع توجه کرد که در این نظم، اسرائیل قدرت مسلط و دولت‌های دیگر در اندازه قوم‌هایی که دردرس سازند، تقلیل پیدا می‌کنند و تحقیر می‌شوند. اگرچه برخی از کشورها متوجه این خطر شده‌اند اما سرعت مواجهه و تدبیر آن‌ها بسیار کندتر از برنامه‌ای است که اسرائیلی‌ها در حال اجرای آن هستند.

یک جنگ تمدنی

صهیونیست‌ها هیچ زمان در طول تاریخ، تمدن و دولتی از خود نداشتند. یهودی‌ها در ادوار تاریخ بیش از آنکه یک ملت باشند، یک قوم، درون دیگر دولت‌ها بودند. صهیونیسم نیز پدیده‌ای نوظهور است. اما آن‌ها برای آنکه بتوانند با محور مقاومت که ریشه‌ای عمیق میان مسلمانان منطقه دارد بجنگند، مجبورند این نزاع را در سطح نزاعی تمدنی برجسته کنند زیرا گسترده کردن جبهه‌های جنگ برایشان پیروزی به همراه نیاورد، محور مقاومت نابود نشد و از همه مهم‌تر آنکه دولت اسرائیل در جهان مغفورت شد. حالا اسرائیل به دنبال آن است تا این جنگ را به جنگ آن‌ها با مسلمانان تبدیل کند. موضوعی که در همه ادوار در لایه‌های زیرین حضور آمریکا در منطقه مورد توجه قرار داشته اسلام‌هراسی بوده است. حالا این موضوع، عیان‌تر از پیش خودش را نشان داده استست. ترامپ عملاً از وجود مسلمانان ابراز نگرانی می‌کند. حمله او به شهردار مسلمان لندن و نامزد شهرداری نیویورک که مسلمانی شیعه است نشان می‌دهد که او عملاً از ترویج اسلام در اروپا و تقویت آن در منطقه نگران است. این موضوع در صحبت‌های نتانیاهو در سازمان ملل هم مورد اشاره قرار گرفت. اشاره او به اسلام‌گرایی افراطی در ادامه پروژه اسلام‌هراسی است. اشاره باراک نیز در همین پازل قرار می‌گیرد. اسرائیل با همراهی آمریکا، به دنبال به راه انداختن جنگی تمدنی در این منطقه است تا از دل آتشی که در منطقه به راه می‌افتد، زنده بیرون بیاید و موجودیش را حفظ کند. شروع جنگ تمدنی برای دولتی که هویتی ندارد، برای او هویت می‌سازد. در میانه این بحران، سکوت و انفعال کشورهای مسلمان منطقه و جهان عرب، تنها کار را برای اسرائیلی‌ها راحت‌تر می‌کند و نظمی عجیب‌تر از قرارداد سلیکس پیکو را بر منطقه حاکم می‌کند.

بازگشت تحریم‌ها به ایران را باید پذیرفت که چین به‌عنوان کشوری که به لحاظ میزان صادرات جایگاه نخست را در جهان دارد طبعاً نیاز گسترده‌تری نیز به انرژی و منابع معدنی خواهد داشت. این نیاز یک بازار رقابتی را در بین صادرکنندگان انرژی ایجاد کرده که افزایش سهم صادرات در این بازار اتفاقاً نکته مثبت محسوب می‌شود و این نکته مثبت به‌ویژه در شرایط تحریمی نباید کوچک انگاشته شود. جبران کردن آسیب‌های تحریم در حوزه انرژی از طریق گسترش تعاملات با متحدان شرقی نمونه‌ای است که می‌توان در سایر خلأهای ناشی از تحریم نیز آن را الگو قرار داد. بخش زیادی از ظرفیت اقتصادی ایران را می‌توان از این کانال‌های اقتصادی مورد استفاده قرار داد. فعال کردن ظرفیت‌های اقتصادی ایران از مسیرهای غیر غربی باعث می‌شود تا غرب نیز با هدف جلوگیری از خشی شدن اهرم‌های در دست خود ناچار شود حداقل در مورد تبعات استفاده بیش از حد از این اهرم بیشتر بیندیشد و چه بسا ناچار شود گام‌هایی نیز رو به عقب بردارد.

صحنهٔ امنیتی جهان همکاری با ایران را برای چین و روسیه به الزام تبدیل کرد

هم‌گامی زیرچترامنیت

چین و روسیه پس از آنکه دولت‌های اروپایی روند فعال‌سازی مکانیسم ماشه را در ۶ شهریور آغاز کردند نخست‌با انتشارنامه‌ای مشترک با ایران خطاب به دبیرکل سازمان ملل و همچنین اعضای شورای امنیت روند درپیش گرفته‌شده را به لحاظ حقوقی رد کرده و اعلام کردند که خسود را متعهد به اجرای قطعه‌نامه‌های تحریمی احیا‌شده نمی‌دانند. در نگاه اول شاید بسیاری با این نگاه که این دو کشور متحد سیاسی و اقتصادی ایران بوده و چنین رأیی از جانب آن‌ها منطقه است به اهمیت این موضع‌گیری پی نبرند؛ اما باید به این سابقه تاریخی توجه کرد که در ۶ قطعنامه تحریمی ضد ایران ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد از جمله قطعنامه ۱۹۲۹ که شدیدترین آنهاست چین و روسیه نیز رأی مثبت داده بودند. این تغییر موضع چین و روسیه نسبت به سال ۲۰۱۰ که قطعنامه ۱۹۲۹ در آن به تصویب رسید واقعیت مهمی است که هم در کاهش اثر تحریم‌های ضد ایرانی مؤثر است و هم تصویر شکل‌گیری بلوک‌های جدید قدرت در نظم جهانی را کامل می‌کند. تصویری که باعث می‌شود کشورهای تحت فشار غرب در انزوای جهانی قرار گرفته و قدرت کشنگری از طریق مسیرهای موازی را داشته باشند. چنین امکانی باعث می‌شود تا روزبه‌روز کشورهای بیشتری با هدف تأمین حداکثری منافع خود ترغیب شوند که به چهارچوب‌های سنتی قدرت در جهان نه‌گفته و اثر منفی برتری هژمونیک آمریکا را کاهش دهند. تغییر موضع چین و روسیه در قبال ایران در طی سال‌های اخیر به دلیل حق وتوی این کشوروها در سازمان ملل به خودی خود امر مهمی است و چیزی که براین اهمیت می‌افزاید قدرت اقتصادی و وسعت سرزمینی این کشورهاست. چنین بسترهایی باعث می‌شود تا ایران برای پیشبرد مراودات اقتصادی و مهار اثرات تحریمی میدان بزرگی را در مقابل خود ببیند که از تنوع خودی برای پاسخ‌گویی به نیازهای تحریم‌شده ایران توسط کانال‌های محدود غربی برخوردار است.

تغییر ریل پکن و مسکو چگونه رخ داد؟

چین و روسیه تا پیش از آنکه نزاع غرب علیه‌شان جدی شود تلاش می‌کردند تا باری تنش‌زدایی حداکثری، خود را با مناسبات حقوقی بین‌المللی که توسط غرب هدایت می‌شوند تطابق دهند. تلاش آمریکا برای القای این انگاره که